



بیانات در دیدار مسئولان و کارکنان قوهی قضائیه در آستانه‌ی سالروز حادثه هفتم تیر و روز قوه قضائیه - 5 / تیر / 1392

بسم الله الرحمن الرحيم

خوشامد عرض میکنم و تبریک عرض میکنم به همه‌ی شما برادران و خواهران. امیدوارم خداوند متعال به برکت این ماه شریف و مولود عظیم‌الشان این روزها، حضرت بقیة الله الاعظم (ارواحنا فداه)، همه‌ی شما را و همه‌ی ملت ایران را مشمول تفضلات خود و رحمت خود و هدایت خود قرار دهد.

مناسبت هفتم تیر، مناسبت برجسته و مهمی است. اگرچه در این ایام به تناسب از قوهی قضائیه تجلیل میشود و زحمات و تلاشهای عزیزان این قوه در معرض دید عموم مردم قرار میگیرد - که کار بجا و مناسبی است - لیکن حادثه‌ی هفتم تیر حادثه‌ای است که به سرنوشت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ارتباط دارد، و این حادثه برای جمهوری اسلامی سرنوشت‌ساز بود. اگرچه شهدای این حادثه جزو بهترین و برجسته‌ترین عناصر نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی بودند و یاد آنها هرگز فراموش نخواهد شد - بخصوص شخصیت برجسته و نورانی مرحوم آية الله بهشتی (رضوان الله تعالی علیه) و دیگر شهدا - لیکن با این همه، در این حادثه، چهره‌ی نفاق در کشور آشکار شد؛ پشت سر عناصر نفاق هم عناصر استکبار خودشان را نشان دادند. برای يك نظام نوپا، روشن شدن چهره‌ی دشمنان، چیز کوچکی نیست. منافقینی که خودشان را پیرو خدا و پیغمبر و اسلام و نهج البلاغه معرفی میکردند، با این حادثه، خود را مفتضح کردند؛ نشان دادند که چقدر با ارکان نظام اسلامی، با چهره‌های موجه، شخصیت‌های برجسته، علمای بزرگ، خدمتگزاران صادق و کارآمد، اینها دشمنند، مخالفند؛ چهره‌ی اینها روشن شد. اگر حوادث معدودی از قبیل هفتم تیر اتفاق نمی‌افتاد و این سرمایه‌ها از دست ملت ایران نمیرفت، یقیناً ملت عزیز ایران نمیتوانست چهره‌ی منافقین را اینجور آشکار تشخیص دهد؛ باز آنها میتوانستند نفوذ کنند - «و لاوضعوا خلالکم» (۱) - میتوانستند خودشان را موجه جلوه دهند. این حادثه، افشاگر واقعیت پلید منافقین شد. دشمنان اساسی و اصلی اسلام، یعنی استکبار و صهیونیستها از اینها حمایت کردند؛ پس چهره‌ی آنها هم آشکار شد. درست است که این حادثه سرمایه‌هایی را از ما گرفت، اما این شهادتها، این خونهای بناحق ریخته، برای ملت ایران دستاوردهای بزرگی هم با خود آورد، مثل همه‌ی شهادتها؛ شهادت اینجور است. کشته شدن در راه خدا، ریختن خون مظلومان در راه خدا، این اثر قهری و طبیعی را دارد که با خود دستاوردهائی را به امت اسلامی، به ملت‌های مسلمان، به تاریخ اسلام تقدیم میکند. ما یاد این شهیدان را هرگز فراموش نخواهیم کرد، یاد این حادثه را فراموش نخواهیم کرد. ارزش فداکارانی که در آن مجمع برای خدا اجتماع کرده بودند و مورد این تهاجم ظالمانه و وحشیانه قرار گرفتند، پیش خدای متعال و پیش ملت ایران محفوظ است.

درباره‌ی قوهی قضائیه چند جمله‌ای عرض کنیم: اولاً تشکر میکنیم از رئیس محترم قوه. بیانات امروز ایشان بیانات وافیه و بسیار مفیدی بود، روشن‌گر بود. پشت سر این بیانات هم اقدامات و تلاشهای ارزنده‌ای است؛ که هم از ایشان، هم از مسئولان بالای قوه، هم از آحاد کارکنان و قضات محترم و کارکنان قضائی و غیرقضائی در قوه باید حقیقتاً تشکر کنیم. آنچه که انجام گرفته است، بسیار بارز است و در جهت کارآمدی قوهی قضائیه است.

آنچه که من عرض میکنم، این است که در قوهی قضائیه دو هدف اعلی را باید همیشه در نظر داشت؛ همه‌ی کارها



باید در جهت این دو هدف اعلی انجام بگیرد؛ که اگر این دو هدف تحقق پیدا کرد، آن وقت محصول آن را جامعه‌ی اسلامی خواهد چشید. آن دو هدف، یکی عبارت است از سلامت قوه، دوم کارآمدی قوه. همه‌ی تلاشها باید این باشد که این قوه تبدیل شود به یک مجموعه‌ی کاملاً کارآمد و کاملاً سالم. اگر این شد، آن وقت مردم میوه را خواهند چشید. آن میوه چیست؟ احساس رضایت و احساس امنیت، به برکت حضور قوه‌ی قضائیه. این برای یک کشور، برای یک جامعه لازم است. این همه تأکیدی که در اسلام، در متون اسلامی، در قرآن کریم، در روایات، نسبت به قضاوت و حل و فصل خصومتها شده است، برای همین است که جامعه بتواند احساس رضایت کند؛ هر مظلومی احساس کند که میتواند خود را به ساحل امن قوه‌ی قضائیه برساند و جلوی ظلم گرفته شود. این لازم است.

همین طور که من بارها عرض کرده‌ام و رئیس محترم قوه هم الان اشاره کردند، خروجی‌ها را باید دائماً مراقبت کرد، پیشرفت کارها را باید مراقبت کرد. همه‌ی این کارهایی که ذکر شده است، لازم است، و لازم بوده است. نتیجه آن وقتی حاصل خواهد شد که این کارها با دقت دنبال شود، پیگیری شود، قدم به قدم رعایت و مراقبت شود، تا اینکه بتوانیم به آن نتیجه‌ی مطلوب برسیم. اگر این شد، ان شاء الله قوه‌ی قضائیه همان چیزی خواهد شد که اسلام و قرآن برای این قوه و برای این مجموعه‌ی کارآمد در جامعه خواسته و اراده کرده است.

البته خلأهایی وجود دارد. درست است این که فرمودند با این همه اقدامات، با این همه تلاشهای مثبت، هنوز فاصله وجود دارد بین آنچه که مطلوب مسئولان قوه است و مقصود اسلام و قوانین اسلامی است، با آنچه که در واقعیت وجود دارد. گفتنش آسان است، لیکن واقعاً کار دشواری است؛ پیمودن این راهها و قدم به قدم صیانت کردن از این خصوصیات، واقعاً کار دشواری است؛ لیکن از خدای متعال باید کمک خواست. این فاصله باید طی شود. البته توقع نداریم که در عرض دو سال و پنج سال این فاصله‌ها طی شود، لیکن باید در جهت پر کردن خلأها حرکت ادامه پیدا کند. این عرض ما است. همه‌ی مسئولان قوه‌ی قضائیه در سطوح مختلف، خودشان را واقعاً موظف کنند به این که قوه را به این دو خصوصیت - یعنی خصوصیت سلامت، و خصوصیت کارآمدی - برسانند. البته خلأها برای آقایان محترم و مسئولان قوه روشن است؛ هم در گزارشهایی که داده میشود، نشان داده میشود که خلأها را میشناسند، هم در مذاکراتی که انجام میگردد، انسان احساس میکند که این خلأها برای مسئولان قوه شناخته شده است. گاهی نکاتی هم به نظر ما میرسد، که به رئیس محترم قوه و به بعضی مسئولان قوه عرض میکنیم، اینها را تذکر میدهیم. به هر حال خلأها روشن است. در جهت پر کردن این خلأها باید همت گماشت، نباید مایوس شد؛ باید کار را همچنان پیش برد و روزه‌روز قوه‌ی قضائیه را بهتر و شکوفاتر کرد.

البته اینجا یک نکته‌ای وجود دارد و آن این است که پیشرفت کار و رسیدن به هدف، با پیمودن برنامه‌ها میسر است؛ با برنامه‌ریزی امکان پیدا میکند. خوشبختانه برنامه‌ی سوم تصویب شده است، ابلاغ شده است؛ در دست و بال قوه‌ی قضائیه، در مجموعه‌ی قوه‌ی قضائیه، با این تفصیلی که گفتند - این بخشنامه‌ها و آئین‌نامه‌های گوناگون - این برنامه در حال پیشرفت کردن است. هیچ اغمازی در حرکت در جهت برنامه نباید صورت بگیرد؛ اگر این شد، ان شاء الله روزه‌روز وضع قوه بهتر خواهد شد.

من از این فرصت استفاده کنم، تشکر کنم از ملت بزرگ و بصیر و هوشمندمان در زمینه‌ی این کار بزرگی که در این فصل مهم انجام دادند؛ یعنی مسئله‌ی انتخابات. نمیشود ما این مسئله‌ی مهم و اساسی را از دائره‌ی تحلیل و تذکر و توجه خارج کنیم؛ حادثه‌ای که از یک سال قبل تقریباً، مخالفان جمهوری اسلامی، دشمنان جمهوری اسلامی، درباره‌ی



آن حادثه داشتند برنامه‌ریزی منفی میکردند؛ پولها خرج کردند، فکرها کردند، فریادها کشیدند، کارهای گوناگون انجام دادند، فشارها وارد کردند، برای اینکه این حادثه را به آن صورتی که خودشان میخواستند، دریاورند؛ یا انتخابات اتفاق نیفتد، یا انتخابات با اقبال کم مردم، با بی‌اعتنائی مردم مواجه شود؛ یا اینکه حتی بعد از انتخابات بهانه‌هایی به وجود بیاید که بتوانند مقاصد شوم خودشان را در کشور اعمال کنند؛ برای همه‌ی اینها برنامه‌ریزی کرده بودند. اینها همه‌اش خبرهای پنهان نیست، اطلاعات ویژه و پنهان نیست؛ خیلی از آنها اطلاعات آشکار است. هر کسی رفتارهای جبهه‌ی دشمن جمهوری اسلامی را در این حدود یک سال دیده باشد، دنبال کرده باشد، یا شنیده باشد، میفهمد که اینها چه برنامه‌ریزی‌ای کرده بودند.

خب، آنچه که اتفاق افتاد، صد و هشتاد درجه عکس آن چیزی بود که آنها میخواستند. این چیز کمی است؟ این حادثه‌ی کوچکی است که ماستمالی کنند، با تحلیلهای آبکی از روی قضیه بگذرند؟ نخیر، ملت ایران عظمتی را از خود ساطع کرد؛ ملت ایران کار بزرگ و کارستانی انجام داد؛ در عرصه‌ی مواجهه و مقابله و خصومت و کینه‌ورزی دشمنان بین‌المللی، از خود مهارت نشان داد. چرا این را پنهان کنند؟ چرا این را بارها تکرار نکنیم؟

چند نکته‌ی اساسی در این انتخابات بود. البته نکات فراوانی است، اما من دو سه نکته را عرض میکنم: یکی همین حضور مردم است. از مدتها قبل شبهه‌پراکنی کردند، تردیدآفرینی کردند؛ درباره‌ی صحت انتخابات، درباره‌ی مجریان و ناظران انتخابات هی گفتند، برای اینکه مردم را دلسرد کنند، تردید ایجاد کنند، که منجر بشود به نیامدن مردم پای صندوقهای رأی؛ اما مردم درست عکس عمل کردند. جوری شد که خود دستگاههای تبلیغاتی دشمن هم نتوانستند انکار کنند، ندیده بگیرند. روزی که انتخابات بود، در همان اوان انتخابات، رسانه‌های دشمن گفتند که اجتماع مردم زیاد است، پرشور است، همه آمده‌اند، از صبح آمده‌اند. این خیلی پدیده‌ی مهمی بود. پس مسئله‌ی اول، همین حضور مردم بود، که یک معنای مهمی داشت.

معنای حضور مردم این بود که به سرنوشت کشور علاقه‌مندند؛ به نظام جمهوری اسلامی، که این انتخابات جزو ارکان و متون آن است، علاقه‌مندند؛ به دستگاههای برگزارکننده‌ی انتخابات - چه مجری، چه ناظر - اعتماد دارند و امیدوار به حرکت مستمر پیشرونده‌ی کشورند. این مسئله‌ی اعتماد، نکته‌ی بسیار مهمی است. در کنار هوشمندی مردم، بصیرت مردم در این حضور، اعتماد عمومی هم نکته‌ی بسیار مهمی است. جالب اینجا است که ما به مردم عزیزمان عرض کردیم که خب مردم نظامشان را دوست میدارند، می‌آیند رأی میدهند؛ اما اگر احیاناً کسی هم هست که با نظام اسلامی خیلی دل صافی ندارد، اما برای کشور خودش و منافع کشور اهمیت قائل است، او هم بیاید. لابد بعضی‌ها از این مجموعه بودند و آمدند. این نشان‌دهنده‌ی چیست؟ نشان‌دهنده‌ی این است که حتی کسانی که طرفدار نظام هم نیستند، به نظام اعتماد دارند؛ آنها هم میدانند که نظام جمهوری اسلامی منافع کشور را و عزت ملی را میتواند حفظ کند و از آن دفاع کند. مشکل دولتها در کشورهای مختلف این است که در مقابل هجمه‌های جهانی، در مقابل طمع‌ورزان بین‌المللی، قادر نیستند از ملتشان، از منافعشان، از عزتشان دفاع کنند. جمهوری اسلامی، استوار و مستحکم مثل شیر در مقابل دشمنان ایستاده، از منافع ملت دفاع میکند؛ این را حتی آن کسانی هم که احیاناً آمدند رأی دادند، اما به نظام اعتقادی هم نداشتند، با این کار خودشان تصدیق کردند؛ نشان دادند که اعتماد به نظام جمهوری اسلامی، عمومی است. این هم یک نکته، که خیلی مهم است.

یک نکته‌ی دیگری که در این انتخابات بود و غالباً مورد غفلت قرار میگیرد، این است که این انتخابات، انتخابات



ریاست جمهوری و انتخابات شوراها با هم بود. انتخابات ریاست جمهوری در بسیاری از کشورها با درگیری و مخاصمه و دعوا و کتک کاری و احیاناً خونریزی انجام میگیرد. انتخابات شوراها در مناطق دوردست، از انتخابات ریاست جمهوری هم از این جهت حساستر است. در فلان روستا، در فلان شهر کوچک، بین دو طایفه، بین بالای ده و پائین ده، بین گروههای مختلف در یک روستا یا یک شهر کوچک، امکان درگیری و امکان مخالفت وجود دارد. در این کشور وسیع، در این خاک پهناور، در این دهها هزار شهر و روستا در سراسر کشور، یک حادثه که نشان دهندهی ناامنی در این کشور باشد، اتفاق نیفتاد و گزارش نشد. این چیز کوچکی است؟ «نعمتان مجهولتان الصّحة و الامان». امنیت برای یک ملت جزو اساسیترین نیازها است. اگر امنیت بود، پیشرفت به وجود می آید، علم رشد میکند، اقتصاد شکوفائی پیدا میکند، سازندگی کشور امکان پیدا میکند. امنیت به این گستردگی در این کشور، خودش را در این انتخابات نشان داد. هرچه میخواستند دستگامهای امنیتی کشورمان با تبلیغات بگویند، نمیتوانستند این حقیقت را به این روشنی بیان کنند که انتخابات بیان کرد. این انتخابات نشان داد که بحمدالله در این کشور، به خاطر همراهی مردم، به خاطر هوشیاری مسئولان امور، در بخشهای مختلف و در سراسر کشور - کشور به این بزرگی - امنیت خوبی برقرار است. این هم یک نکته است.

یک نکتهی دیگری که در این انتخابات به نظر بنده برجسته بود و جا دارد که انسان خدا را شکر کند، این بود که بعد از انتخابات، نامزدهای مختلف با نجابت و قانونپذیری در این قضیه عمل کردند و واکنش نشان دادند؛ این خیلی چیز مهمی است. رفتند با رئیس جمهور منتخب، برادرانه و دوستانه دیدار کردند و به او تبریک گفتند، اظهار خرسندی کردند. بنده لازم است از این حضرات تشکر کنم. این است که کام مردم را شیرین میکند، این است که موجب میشود مردم احساس کنند موفقیت به دست آورده اند. حالا اگر بدقلقی نشان میدادند، در این قضایا رفتار نانجیبانه میکردند، یک چیزی را بهانه میکردند، دعوائی راه می انداختند - که دعوا را به هر بهانه ای میشود راه انداخت - کام مردم تلخ میشد. اینکه ما بارها و به تکرار از حوادث سال ۸۸ شکایت کردیم، گله کردیم، انتقاد کردیم، به خاطر این است. در یک انتخابات با عظمت و باشکوه، مردم احساس پیروزی میکنند؛ بعد یک نفر، دو نفر، چهار نفر آدم بیایند کام مردم را تلخ کنند؛ در حالی که راه برای قانونگرایی وجود دارد. این، آن سال اتفاق افتاد؛ کام مردم تلخ شد، شیرینی انتخابات از مردم دریغ داشته شد؛ در انتخابات امسال نه، بحمدالله کام مردم شیرین شد، مردم شادی کردند. رفتار باید قانونمدارانه باشد. اینکه ما این همه تأکید کردیم بر این که قانون را رعایت کنید، این نتیجه اش است. وقتی قانون رعایت شد، دهن مردم شیرین میشود، دل مردم شاد میشود. این باید برای همیشه برای ما درس باشد. مردم هم در اینجور قضایا تفرّس میکنند، نگاه میکنند، چهره های سیاسی را شناسائی میکنند. آن چهره ی سیاسی ای که با نجابت، با قانونمداری در قضایا برخورد میکند، مردم از او خوششان می آید. آن کسانی که به قانون بی اعتنائی میکنند، واگرائی از قانون میکنند - به هر بهانه ای - آنها را هم مردم شناسائی میکنند؛ از آنها بدشان می آید. این هم یک نکتهی اساسی است.

به هر حال انتخابات حقیقتاً یک پدیدهی برجسته و مهم بود؛ و این فضل الهی بود، لطف پروردگار بود که دلهای ملت را هدایت کرد و نیروهای عظیم مردم وارد صحنه شدند و این حماسه را به وجود آوردند. انتخابات حقیقتاً حماسه شد؛ مردم همان چیزی را که آرزوی خیرخواهان بود که یک حماسه ی سیاسی به وجود بیاید، تحقق دادند.

حالا هم باید به آن کسی که منتخب مردم است، همه کمک کنند، دستگامهای مختلف کمک کنند؛ این عرض ما است. اداره ی امور کشور، برادران و خواهران! کار سختی است. از دور میشود نشست ایرادگیری کرد. مکرر ما مثال



زدیم: يك نفر کنار استخر بنشیند و از آن کسی که از طبقه‌ی چندم این سکو دارد در آب شیرجه میزند، ایراد بگیرد؛ که بله اینجا پایش کج شد، اینجا دستش راست نبود، خوب نیامد. ایراد گرفتن، آسان است؛ اما اگر قرار باشد خود ما برویم آن بالا و بخواهیم شیرجه بزنیم، می‌بینیم جرأت نمیکنیم. ایراد گرفتن و اعتراض کردن، آسان است. نمیگوئیم کسی ایراد نگیرد، انتقاد نکند، اعتراض نکند؛ چرا، انتقاد کردن و اعتراض کردن سالم قطعاً برای پیشرفت کار کشور مفید است؛ اما این را هم باید توجه داشت که کار اجرائی سخت است. حالا بحمدالله مردم يك رئیس جمهور انتخاب کردند؛ باید همه به این رئیس جمهور کمک کنند. توقعات را هم نباید زیاد دامن زد، نباید در قضایا زیاد شتابزده برخورد و قضاوت کرد، تا ان شاءالله کارهای مهم کشور انجام شود.

من در مورد اظهاراتی هم که نامزدهای محترم در تلویزیون کردند - قبل از انتخابات عرض کردم - عرایضی دارم؛ فعلاً خیلی مجال نیست انسان تفصیل را بگوید؛ لیکن یکی از حرفهای ما همین است. بله، نقاط ضعفی وجود دارد، اما نقاط قوت را هم باید دید. دولت کنونی هم نقاط قوت فراوانی دارد، گیرم نقاط ضعفی هم وجود دارد. کدام ما در کار کردمان، در عملمان، نقطه‌ی ضعف نداریم؟ نقاط قوت را هم باید دید. کارهای مهمی در کشور انجام گرفته است. خدماتی که شده، کارهای زیربنائی‌ای که انجام گرفته، سازندگی‌هایی که انجام گرفته، اینها را نباید ندیده گرفت. اینها در اظهارات نامزدهای محترم، در برنامه‌های دو سه هفته‌ای تبلیغات انتخابات، غالباً ندیده گرفته میشد. چقدر خوب بود وقتی که مثلاً معضل اقتصادی را بیان میکنند، گرانی را بیان میکنند، تورم را بیان میکنند - که البته اینها واقعیت هم دارد - در کنارش کارهایی که انجام گرفته است، زحماتی که کشیده شده، اینها را هم بیان میکردند. اینجور برخورد کردن، انصاف است. انسان باید هم جهات مثبت را ببیند، هم جهات منفی را ببیند. البته بدیهی است کسی که خود را به مردم عرضه میکند، اشکالات موجود را می‌بیند، به مردم هم میگوید، این ایرادی ندارد؛ اما در این زمینه نباید مطلق نگاه کرد و فکر کرد؛ نقاط مثبت هم باید گفته شود، نقاط منفی هم گفته شود.

يك جمله هم در خصوص قضیه‌ی هسته‌ای عرض کنم - در آینده اگر لازم شد، شاید مفصلتر عرض کنیم - من در سخنرانی روز اول سال گفتم جبهه‌ی مخالف ما که عمدتاً منحصر در چند کشور معدود زورگو و زیاده‌خواه است و اسم خودشان را بغلط و بدروغ میگذارند جامعه‌ی جهانی، و در رأس آنها آمریکا است، محرك اصلی هم صهیونیستهايند، مسئله‌ی اینها این است که نمیخواهند موضوع هسته‌ای ایران حل شود. اگر لجبازی آنها نبود، موضوع هسته‌ای براحتی حل میشد. بارها تا لحظه‌ی حل پیش رفتیم، امضاء کردند، آژانس هسته‌ای امضاء کرد؛ قبول کرد که این اشکالاتی که وجود داشته، برطرف شده - اینها موجود است، اینها سند است؛ اینها که قابل انکار نیست - خب باید قضیه تمام میشد، پرونده‌ی هسته‌ای کشور باید پایان پیدا میکرد. آمریکائی‌ها بلافاصله يك چیز جدید را مطرح کردند، آوردند وسط. نمیخواهند قضیه تمام شود. نمونه‌های متعددی را ما در این زمینه داریم. حل مسئله‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی، به حسب طبیعت خود، از جمله‌ی کارهای سهل و آسان و روان است؛ اما وقتی طرف مقابل مایل نیست این قضیه حل شود، خب بله همین جور میشود که ملاحظه میکنید.

بنابراین این را باید توجه داشته باشند؛ جمهوری اسلامی در قضیه‌ی هسته‌ای، هم قانونی عمل کرده است، هم شفاف عمل کرده است، هم از لحاظ استدلالی، منطقی عمل کرده است؛ منتها این يك نقطه‌ای است که برای فشار بر جمهوری اسلامی این را مناسب دانسته‌اند. اگر این هم نباشد، يك قضیه‌ی دیگری را برای فشار مطرح میکنند. هدف، تهدید است؛ هدف، فشار است؛ هدف، خسته کردن است. خودشان گفتند: هدف، تغییر دادن نظام سیاسی و سازوکار سیاسی است. البته در حرفهای خصوصی که میزنند، یا گاهی نامه که مینویسند، میگویند نه، ما نمیخواهیم



نظام را تغییر دهیم؛ لیکن در گوشه و کنار حرفهایشان، در اظهاراتشان، در عملکردشان، این مسئله کاملاً روشن است. ملتی که زیر فرمان آنها نباشد، بر طبق میل آنها عمل نکند، بر طبق سلیقه‌ی آنها در ممشای خود عمل نکند، مغضوب آنها است. حکومتها و دولتها هم اگر در مقابل آنها مطیع و سربه‌راه بودند، برایشان مقبولند؛ نه دموکراسی برای آنها اهمیت دارد، نه حقوق بشر اهمیت دارد، نه هسته‌ای اهمیت دارد. مسئله این است که جمهوری اسلامی روی پای خود ایستاده است، با اتکاء به قدرت خود ایستاده است، با اعتماد به خدای متعال ایستاده است، و در جهات مختلف دارد پیشرفت میکند؛ این را اینها نمی‌پسندند، و نپسندند. البته تجربه‌ی جمهوری اسلامی و تجربه‌ی ملت ایران نشان داد که در این راه، آن که پیروز است، ملت ایران است و او است که به دشمنان خود سیلی خواهد زد.

راه نظام جمهوری اسلامی، راه خدا است؛ هدفها، هدفهای الهی است؛ تکیه‌گاه، اراده‌ی الهی است؛ و اینچنین راهی هیچ وقت به بن‌بست منتهی نخواهد شد. این را همه باید بدانند و مطمئن باشند که به توفیق الهی و به اذن الله بن‌بستی در راه ما وجود نخواهد داشت. امیدواریم ان شاء الله همچنان که تا امروز ملت ایران روزی‌به‌روز پیشرفت کرده‌اند، بعد از این هم با ابتکار مسئولان، با حرکت مسئولان، با همت و توکل مسئولان، این پیشرفت ادامه پیدا کند و همه‌ی ملت ایران مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) باشند و روح مطهر امام و ارواح شهدا از ما و شماها راضی باشد.
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(۱) توبه: ۴۷